



التحليل الدلالي للمفردات في مختارات من الشعر الاجتماعي الإيراني قبل الثورة الإسلامية

الباحث: عبدالله عدنان ابراهيم صالح

الاختصاص العام: اللغة الفارسية و آدابها

جامعة بغداد-كلية اللغات-قسم اللغة الفارسية

الايمل: Abdullah.Adnan2209@colang.uobaghdad.edu.iq

أ.م.د. عمر امين عبد العباس

الاختصاص العام : اللغة الفارسية وادابها

مكان العمل : قسم اللغة الفارسية _ كلية اللغات _ جامعة بغداد

الايمل : omar.a@colang.uobaghdad.edu.iq

الخلاصة

الشعر الاجتماعي نوع من الشعر يتناول القضايا والمشكلات الاجتماعية، ويسعى إلى إحداث تغيير أو إصلاح اجتماعي. يتناول هذا النوع من الشعر قضايا حرجة كال فقر والظلم والتمييز العنصري، وغيرها من المشكلات التي تواجه الأفراد والمجتمعات. يركز هذا الشعر على القضايا الاجتماعية وهموم الناس، ويحاول التعبير عن آمالهم وتطلعاتهم. يتميز هذا الشعر بالواقعية، ووضوح اللغة، وأسلوبه المباشر. كما يهدف إلى رفع مستوى الوعي بالقضايا الاجتماعية وتحفيز الناس على التفكير فيها والسعي إلى حلها. في إيران، يُعدّ هذا النوع من الشعر من أبرز أنواع الشعر قديماً وحديثاً، إذ يُركّز على القضايا الاجتماعية ويحاول معالجتها، سواءً بالنقد أو بالدعوة إلى التغيير. نشأ هذا النوع الشعري نتيجةً للتحوّلات الاجتماعية والفكرية والثقافية والسياسية التي شهدتها البلاد في أواخر القرن التاسع عشر وأوائل القرن العشرين. يتناول الشعر الإيراني المعاصر قضايا سياسية وفكرية واجتماعية مهمة في يومنا هذا، ويتمتع بشكل عام بتماسك وقوة كبيرين، سواء في الشكل أو المحتوى، ويستمر في التطور بسبب جاذبية الأساليب التي يستخدمها الشعراء الإيرانيون. في هذه الدراسة، المعنونة بـ " التحليل الدلالي للمفردات مختارات من الشعر الاجتماعي الإيراني قبل الثورة الإسلامية"، حددنا واستخرجنا الكلمات التي تحمل معنى محدداً في شعر فترة ما قبل الثورة الإسلامية. وقمنا بتحليلها وتحديد معناها والمعنى الحقيقي الذي يقصده الشاعر في قصيدته. لقد درسنا جوانب عديدة من الشعر الاجتماعي وطبيعته وأبرز سماته. إن تحديد معنى الكلمة يعني اكتشاف معناها الحقيقي في السياق المحدد الذي يقصده الشاعر، سواء كان هذا السياق لغوياً أو ثقافياً أو سياسياً أو اقتصادياً. وهذا يعني فهم كيفية استخدام الكلمة للتعبير عن معنى محدد وكيف يتفاعل هذا المعنى مع السياق الذي يبدو فيه مقبولاً للقارئ. نأمل أن يكون هذا البحث مفيداً للباحثين الذين سيدرسون الشعر الاجتماعي الإيراني وطبيعة شعر الشعراء الإيرانيين في العصر المعاصر.

الكلمات المفتاحية: الشعر الاجتماعي، الشعر المعاصر، دلالات الكلمات، ايران قبل الثورة الاسلامية.

The semantic analysis of vocabulary in selections from Iranian social poetry before the Islamic revolution

Abdullah Adnan Ibrahim Saleh General

Persian language and literature

University of Baghdad - College of Languages - Department of Persian Language

Abdullah.Adnan2209@colang.uobaghdad.edu.iq

Prof. Dr. Omar Amin Abdul Abbas

Persian Language and Literature

Department of Persian Language - College of Languages - University of Baghdad



omar.a@colang.uobaghdad.edu.iq

Abstract

Social poetry is a genre of poetry that addresses social issues and problems, seeking to bring about social change or reform. This genre of poetry addresses critical issues such as poverty, injustice, racial discrimination, and other problems facing individuals and societies. It focuses on social issues and people's concerns, attempting to express their hopes and aspirations. This poetry is characterized by realism, clear language, and a direct style. It also aims to raise awareness of social issues and motivate people to reflect on them and seek solutions. In Iran, this genre is one of the most prominent types of poetry, both ancient and modern, as it focuses on social issues and attempts to address them, whether through criticism or by calling for change. This genre of poetry emerged as a result of the social, intellectual, cultural, and political transformations that the country witnessed in the late nineteenth and early twentieth centuries. Contemporary Iranian poetry addresses important political, intellectual, and social issues of the present day and is generally characterized by great cohesion and strength, both in form and content, and continues to evolve due to the attractiveness of the methods employed by Iranian poets. In this study, titled "Semantic Analysis of Vocabulary Excerpts from Iranian Social Poetry Before the Islamic Revolution" we identified and extracted words that carry specific meanings in pre-Islamic Revolution poetry. We analyzed them, determining their meaning and the poet's intended meaning in his poem. We studied various aspects of social poetry, its nature, and its most prominent features. Determining the meaning of a word means discovering its true meaning in the specific context the poet intends, whether this context is linguistic, cultural, political, or economic. This means understanding how a word is used to express a specific meaning and how this meaning interacts with the context in which it appears acceptable to the reader. We hope this research will be useful to researchers studying Iranian social poetry and the nature of the poetry of contemporary Iranian poets.

Keywords: Social poetry, contemporary poetry, word semantics, Iran before the Islamic Revolution

تحليل معنایی واژگان گزیده‌هایی از شعر اجتماعی ایران پیش از انقلاب اسلامی
تحليل معنایی و ویژگی‌های دیگر شعر اجتماعی ایران قبل از انقلاب اسلامی
تحليل معنایی واژگان در گزیده‌هایی از شعر اجتماعی ایران قبل از انقلاب اسلامی
دانشجو: عبدالله عدنان ابراهیم صالح
رشته: زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه بغداد، دانشکده زبان‌ها، گروه زبان فارسی
ایمیل: Abdullah.Adnan2209@colang.uobaghdad.edu.iq
استاد راهنما: استادیار دکتر عمر امین عبدالعباس



رشته: زبان و ادبیات فارسی

محل کار: گروه زبان فارسی، دانشکده زبان‌ها، دانشگاه بغداد

ایمیل: omar.a@colang.uobaghdad.edu.iq

چکیده

شعر اجتماعی گونه‌ای از شعر است که به شرایط اجتماعی می‌پردازد. شاعر از طریق اشعار خود به جامعه و زندگی آن توجه دارد، شرایط را درک می‌کند و قلم خود را وقف رنج مردم می‌کند و اشعاری می‌آفریند که گاهی با برانگیختن احساسات جامعه جهانی، جهانی می‌شوند. جامعه نه تنها منبع الهام شاعر است؛ بلکه گاهی شعر او می‌تواند جامعه را نیز الهام بخشد، فرآیندی که به عنوان ارتباط دو طرفه شناخته می‌شود. شاعران ایرانی در دوره قبل از انقلاب اسلامی بهمن ۱۳۵۷ به مسائل اجتماعی و سیاسی پیش روی جامعه پرداختند و از شعر در مبارزه با بی‌عدالتی و فساد استفاده کردند. اشعار آنها خالی از واژگان و کلماتی نبود که معانی مختلفی را حمل می‌کردند و از روش‌های زبانی برای انتقال غیرمستقیم ایده‌ها استفاده می‌کردند. در ایران، این نوع از برجسته‌ترین انواع شعر، چه در گذشته و چه در حال، است، زیرا بر مسائل اجتماعی تمرکز دارد و تلاش می‌کند تا به آنها بپردازد، چه از طریق انتقاد و چه از طریق درخواست تغییر. این ژانر شعر به دلیل تغییرات اجتماعی، فکری، فرهنگی و سیاسی که کشور در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تجربه کرد، پدید آمد.

شعر معاصر ایران به مسائل مهم سیاسی، فکری و اجتماعی روز پرداخته و به طور کلی، چه در فرم و چه در محتوا، از انسجام و استحکام قابل توجهی برخوردار بوده است و به دلیل جذابیت سبک‌های مورد استفاده شاعران ایرانی، همچنان در حال توسعه است. "در مقاله حاضر ما، "تحلیل معنایی واژگان گزیده-هایی از شعر اجتماعی ایران پیش از انقلاب اسلامی"، سعی در مطالعه و تحلیل واژگانی داریم که حاوی معانی آشکار و پنهان هستند. این واژگان به شیوه‌ای مجازی واقعیت را نقد می‌کند و بر شکل و سبک شعر تأثیر می‌گذارد و نیازمند تحلیل علمی است، که همان چیزی است که ما به دنبال آن هستیم. محقق معتقد است که این مطالعه می‌تواند برای درک بهتر شعر اجتماعی در فرهنگ ایرانی در آن دوره و تحلیل رابطه بین شعر، فرهنگ و جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: شعر اجتماعی، شعر معاصر، معنایی واژگان، ایران قبل از انقلاب اسلامی.

پیشگفتار

در هر ملتی، رنج‌ها و امیدها، انقلاب‌ها و شکست‌های آن، از طریق ادبیاتش بازتاب می‌یابد. در این میان، شعر از سپیده‌دم تاریخ، صادقانه‌ترین زبان برای بیان احساسات جمعی و آینه‌ای بوده است که تحولات سرنوشت‌ساز هر جامعه را باز می‌تاباند. در ادبیات فارسی، شعر نه سرگرمی و تفرجی صرف، بلکه گنجینه‌ای برای هویت‌بخشی و ابزاری برای اعتراض و بازتاب کشمکش‌های فکری و اجتماعی محسوب می‌شود. ایران در نیمه دوم قرن بیستم میلادی، دوره‌ای پرتنش و سرنوشت‌ساز را پشت سر گذاشت. از ملی شدن صنعت نفت و شکل‌گیری نهضت‌های ملی، تا گسترش اندیشه‌های چپ و در نهایت خیزش انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، جامعه ایران شاهد تغییرات عمیق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود. در این میان، شعر اجتماعی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین گونه‌های ادبی، به زبان اعتراض و بیان دردهای مردم بدل شد و شاعران با بهره‌گیری از کلمات و استعاره‌ها، پیام‌های پنهان و آشکار خود را در بطن شعر جای دادند. در دورانی که سانسور سخت‌گیرانه مجال هرگونه سخن صریح را محدود کرده بود، زبان شعر مأمونی برای رمزگذاری و ابهام شد. واژه‌ها، دیگر صرفاً نشانگان زبانی نبودند، بلکه حامل دلالت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شدند. در این میان، بررسی معناشناختی این واژگان، راهی برای فهم بهتر از وضعیت اجتماعی و سیاسی دوره و نیز شیوه‌های مبارزه شاعرانه در قالب زبان فراهم می‌کند. اهمیت این پژوهش از آنجاست که با رویکردی نوین، به پیوند میان ادبیات، تاریخ و سیاست می‌نگرد و شعر



اجتماعی را به مثابه آینه‌ای زنده از واقعیت‌های جامعه ایران در حساس‌ترین برهه‌ی تاریخ معاصر بازخوانی می‌کند. این تحقیق از آن‌جا که متون شعری را به عنوان اسناد زنده‌ی اجتماعی تحلیل می‌کند، می‌تواند به درک عمیق‌تری از سازوکارهای فرهنگی و ادبی و همچنین شیوه‌های مقاومت فکری در برابر استبداد و سانسور یاری رساند. این رساله بر آن است که با تحلیل دلالت‌های معنایی واژگان در شعر اجتماعی پیش از انقلاب اسلامی ایران، چگونگی تحول معانی کلمات و تطبیق آن‌ها با شرایط سیاسی و اجتماعی را بررسی کند. همچنین با انتخاب نمونه‌هایی از اشعار شاعران برجسته این دوره چون احمد شاملو، فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی، الگوهای زبانی و معنایی حاکم بر شعر اجتماعی را شناسایی و تحلیل نماید. روش این پژوهش مبتنی بر رویکرد معناشناسی و تحلیل تاریخی است؛ به این معنی که دلالت‌های واژگان در بستر رویدادهای اجتماعی و سیاسی معاصر ایران مطالعه می‌شود. پژوهش تلاش دارد نشان دهد که چگونه زبان شعر اجتماعی در این دوره به ابزاری مؤثر برای بیان اعتراضات، امیدها و آرزوهای مردم بدل شد و چگونه شاعران، واژه‌هایی معمولی را به نمادهایی قدرتمند از مقاومت و آرمان‌خواهی تبدیل کردند. در نهایت، این پژوهش می‌کوشد با ارائه چارچوبی تحلیلی و ترکیبی میان علم معناشناسی، ادبیات اجتماعی و تاریخ معاصر، تصویری جامع و چندلایه از شعر اجتماعی ایران در سال‌های ۱۳۲۴ تا ۱۳۵۷ ترسیم نماید؛ تصویری که در آن زبان شعر نه تنها روایتگر تاریخ، بلکه خود عاملی برای آفرینش تاریخ و شکل‌دهی به هویت جمعی بوده است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش مبتنی بر رویکرد دلالتی است که به تحلیل مفصل واژگان شعر می‌پردازد تا معانی چندلایه و تحولات آن‌ها را در گذر زمان بررسی کند. از سوی دیگر، روش تاریخی برای ارتباط دادن تغییرات زبانی با رویدادهای مهم اجتماعی و سیاسی ایران به کار گرفته شده است.

پرسش‌های پژوهش

-وضعیت اجتماعی مردم ایران قبل از انقلاب اسلامی چگونه بود؟
-آیا شاعران در انتقال پیام‌های خود از طریق اشعارشان موفق بوده‌اند؟

پیشینه پژوهش

در مورد عنوان موضوع فوق، هیچ محقق‌ی چه در داخل و چه در خارج از عراق به آن نپرداخته است. محقق این موضوع را در اینترنت و همچنین در وبسایت‌های ایرانی علاقه‌مند به زبان و ادبیات فارسی و سایر وبسایت‌ها جستجو کرده است. با این حال، برخی تحقیقات که به شعر اجتماعی از زوایای دیگر پرداخته‌اند، مورد توجه قرار گرفته‌اند که در زیر فهرست آنها را آورده‌ایم:

-بازتاب و بن مایه های جامعه شناختی و اجتماعی شعر در ادب معاصر در مقایسه با سایر ادوار شعر فارسی (محمد رضا حصارکی، مهین خطیب نیا).

-بررسی ابعاد سیاسی و اجتماعی شکواییه در شعر خاقانی و نظامی (هوشنگ جعفری و همکاران).

-تحلیل گفتمانی انتقاد اجتماعی در شعر شاعران انقلاب اسلامی (حسن بشیر و میالد عرفان

پور).

طبیعت شعر قبل از انقلاب اسلامی ایران:

طبیعت شعر قبل از انقلاب اسلامی ایران، انقلاب مشروطه (۱۹۰۶-۱۹۰۸) نقطه عطف مهمی در زندگی سیاسی، فرهنگی و ادبی ایرانیان بود. به عبارت دیگر، در حوزه مورد بحث ما، این انقلاب نشانگر پایان دوره انحطاط ادبی و آغاز دوره جدیدی برای مدرنیته شعری است. البته این مدرنیته در ابتدا تنها در محتوا ظهور یافت و تا سال‌ها وزن و قافیه را دربرن گرفت. گفتمان شعری فارسی در این دوره، یعنی از زمان انقلاب مشروطه تا اوایل حکومت رضاشاه پهلوی (۱۹۲۵-۱۹۴۱)، بر مفاهیم خاصی مانند عشق به وطن، ملی‌گرایی و نقد وضعیت اجتماعی کشور متمرکز بود. همچنین در این دوره استفاده شاعران از واژه‌هایی مانند «آزادی»، «وطن»، «مردم»، «زن»، «غرب» و «قانون» افزایش یافت که در فرهنگ شعری



کلاسیک فارسی سابقه نداشتند. آزادی در اینجا به دموکراسی غربی اشاره دارد که ایرانیان از اوایل قرن گذشته با آن آشنا شدند، در حالی که پیش از این، در شعر فارسی قدیم، آزادی به معنای رهایی از زندان یا آزاد کردن بردگان و امثال آن بود. همچنین واژه «مردم» تحت تأثیر فرهنگ وارداتی غربی، جایگزین واژه‌های «امت» و «ملت» شد؛ یعنی شاعران و نویسندگان بر مفهوم مردم ایران (ملت ایران به فارسی) تمرکز کردند و از آن به‌کرات در اشعار و قصاید خود استفاده کردند که مفهومی سیاسی-مدنی و مدرن بود و جایگزین مفهوم «امت اسلامی» شد که مفهومی دینی و قدیمی بود و با دوره جدید زندگی سیاسی و فرهنگی ایران سازگاری نداشت.

در اشعار و قصاید این دوره، سخن از «وطن» بسیار به میان آمد، زیرا این واژه اکنون معنای ملی مشخصی یافته بود. می‌دانیم که وطن در تمدن گذشته مسلمانان با معنای امروزی آن متفاوت بود و به روستا، شهر یا منطقه‌ای اشاره داشت که فرد در آن زاده می‌شد. همچنین در این دوره از زندگی ایرانیان، مسئله زنان برای نخستین بار جایگاه برجسته‌ای در گفتمان ادبی و شعری (همانند گفتمان سیاسی) یافت، پس از آنکه شعر فارسی در دوره قدیم و عصر انحطاط، زن را به‌عنوان جنس ضعیف، ناقص‌العقل یا در بهترین حالت، معشوقه شاعر تصویر می‌کرد. (مظفری، 1393: ص 6-12). «از لحاظ موضوع اصالت خاصی در اشعار دوره مشروطه وجود دارد و بر خلاف شعر پیشینیان موضوعات آن صرفاً به مسائل اجتماعی و روزانه مربوط می‌شود». (توفیق، 2011: ص 182).

مفاهیم جدیدی که پیشتر به آن‌ها اشاره کردیم و ذهن شاعران ایرانی را در این دوره به خود مشغول کرده بود، از گفتمان انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹) گرفته شده بود که ادبیات آن به تمام نقاط جهان از غرب تا شرق گسترش یافت. در این دوره شاهد جریان‌های ادبی و شعری مختلفی از جمله ملی‌گرایی، شووینیسم، انتقادی و کمونیسم کارگری هستیم. بهترین نمونه برای گرایش‌های ملی‌گرایی فارسی در شعر این دوره، شاعر «ملک‌الشعراى بهار» از استان خراسان (شرق ایران) است که بیشتر عمر خود را در پایتخت، تهران، گذراند و از زمان تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۹۳۴ به عنوان استاد ادبیات فارسی در آنجا تدریس کرد. ملک‌الشعراى بهار در اشعار خود بر تمدن فارسی پیش از اسلام به‌عنوان الگویی برای زندگی جدید ایرانیان در قرن بیستم تأکید کرد که این امر در قصایدی که در دوره رضاشاه پهلوی سرود، تجلی یافت. برخی از اشعار ملک‌الشعراى بهار در راستای گفتمان سیاسی رسمی حکومت به رهبری رضاشاه بود که پدر محمدرضا، آخرین پادشاه ایران بود که در سال ۱۹۷۹ با انقلاب ایران سرنگون شد. رضاشاه پهلوی به شدت تحت تأثیر امپراتوری‌ها و پادشاهان باستانی ایران و تمدن پیش از اسلام آنان بود و به تبلیغ برتری نژاد آریایی می‌پرداخت. او در این زمینه از فلسفه نازی در دوره آدولف هیتلر، رهبر آلمان، تأثیر پذیرفته بود که با او روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌ای داشت. (مظفری، 1393: ص 6-12)

گروهی از روشنفکران ایرانی در این دوره که همزمان با پیروزی انقلاب کمونیستی در روسیه و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی بود، تحت تأثیر گفتمان و ادبیات آن قرار گرفتند که از جمله آن‌ها می‌توان به ابوالقاسم لاهوتی اشاره کرد. همچنین شاعر میرزاده عشقی بین گفتمان شووینیستی فارسی و ادبیات کارگری در نوسان بود. از برجسته‌ترین شاعرانی که از وضعیت حاکم بر ایران ناخشنود بودند، ایرج میرزا بود که در اشعار خود به نقد وضعیت اجتماعی و سیاسی رایج آن زمان پرداخت و از نقد تند و تیز او نه شیخ، نه جوان، نه شاه و نه امیر در امان نبودند، با اینکه خود او امیری از خانواده قاجار بود که در دامان آن پرورش یافته بود.

زبان شعر در این دوره به دلیل مشارکت مردمی در انقلاب مشروطه که هدف آن سرنگونی تخت پادشاهان مستبد قاجار بود، به زبان خیابان (زبان عامیانه) نزدیک شد. این انقلاب زمینه را برای گفتمان ادبی و شعری هماهنگ با نبض خیابان و اعتراض علیه ستم پادشاهان فراهم کرد.

بله... شعر فارسی قبل از انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) آینه‌ای بود که تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در طول قرن‌های متمادی بازتاب می‌داد. شعر همواره جایگاه ویژه‌ای به‌عنوان رسانه‌ای اصلی



برای بیان دغدغه‌ها و آرزوهای فردی و هنری والا که روح و دغدغه‌های مردم ایران را تجسم می‌بخشید، داشته است. شعر در ایران تنها سخن موزون برای سرگرمی نبود، بلکه زبان روح و وجدان و ابزاری برای ثبت رویدادهای تاریخی و انتقال مفاهیم فلسفی و دینی بود.

می‌توان گفت شعر فارسی قبل از انقلاب اسلامی تناقض‌های بسیاری را در خود جای داده بود که بازتاب شرایط جامعه ایران در آن زمان بود. با این حال، این تناقض‌ها مانعی برای پیشرفت شعر نبود، بلکه عاملی محرک برای ابداع شیوه‌های جدید بیان هنری شد.

در عصر کلاسیک، شعر فارسی از غنای موضوعی و تنوع سبکی برخوردار بود. شاعران بزرگی مانند فردوسی با شاهنامه‌اش - که از برجسته‌ترین آثار ادبیات فارسی است - نه تنها تاریخ پادشاهان و قهرمانان را روایت کردند، بلکه هویت ملی و ارزش‌های فرهنگی مردم ایران را نیز ترسیم کردند. همچنین شعر صوفیانه که با شاعرانی مانند جلال‌الدین رومی و حافظ شیرازی به اوج خود رسید، دیدگاهی عمیق از رابطه انسان با خدا ارائه داد و با استفاده از نماد و کنایه، پیام‌های روحانی خود را انتقال داد. این اشعار از واقعیت اجتماعی جدا نبودند، بلکه بازتابی از آرمان‌های روحانی و فکری مردم در شرایط سیاسی و اقتصادی متغیر بودند.

در این زمینه، «شمیسا» در کتاب خود «مقدمه‌ای بر شعر فارسی و شاعران آن» (۲۰۰۴) اشاره می‌کند که شعر کلاسیک فارسی تا حد زیادی به فرم‌های سنتی مانند غزل و قصیده متکی بود که برای انتقال احساسات عمیق انسانی و تجربیات روحانی استفاده می‌شد. با این حال، این فرم‌ها ایستا نبودند و توانستند خود را با تغییرات اجتماعی و سیاسی تطبیق دهند و به شاعران امکان بیان ایده‌های جدید در چارچوبی سنتی را بدهند. از آنجا که شعر روح عصر خود را بازتاب می‌دهد، می‌توان آن را ابزاری مؤثر برای حفظ هویت فرهنگی ایرانی در مواجهه با چالش‌های خارجی دانست.

با ورود ایران به عصر مدرنیته در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، شعر فارسی تحولات بزرگی را تجربه کرد. شاعران تحت تأثیر اندیشه‌های غربی و جنبش‌های ادبی مدرن قرار گرفتند که منجر به ظهور فرم‌های جدیدی مانند شعر آزاد شد. نیما یوشیج، که پدر شعر مدرن ایران محسوب می‌شود، انقلابی در فرم و محتوای شعر ایجاد کرد و از چارچوب‌های سنتی فاصله گرفت تا بیان آزادتر و منعطف‌تری را ممکن سازد. با این حال، این تحول آسان نبود و با مقاومت محافظه‌کارانی مواجه شد که شعر کلاسیک را میراثی دست‌نخورده می‌دانستند.

در این رابطه، «کریمی حکاک» در کتاب خود «بازآفرینی شعر فارسی: سناریوهای مدرنیته شعری در ایران» (۱۹۹۵) (ص 15-40) توضیح می‌دهد که مدرنیته شعری در ایران بخشی از جنبش گسترده‌تر برای نوسازی جامعه ایرانی و رهایی از محدودیت‌های سنتی بود. شاعرانی مانند احمد شاملو و فروغ فرخ‌زاد از شعر برای بیان مسائل اجتماعی و سیاسی استفاده کردند و آن را به ابزاری مؤثر در شکل‌دهی به آگاهی جمعی تبدیل کردند. همچنین در این دوره توجه به حقوق زنان افزایش یافت و فروغ فرخ‌زاد در اشعار خود به مسائلی مانند آزادی و برابری پرداخت و به یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های شعر معاصر فارسی تبدیل شد.

در دهه‌های منتهی به انقلاب اسلامی، شعر به ابزاری قدرتمند برای اعتراض سیاسی و اجتماعی تبدیل شد. شاعران از شعر برای نقد نظام و بیان خواسته‌های مردم برای آزادی و عدالت استفاده کردند. در جریان ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی دوره محمد رضا پهلوی، شعر به تریبونی برای بیان رنج مردم و نقد فساد و سرکوب تبدیل شد. در میان این شاعران، احمد شاملو و مهدی اخوان ثالث با زبانی ساده و مستقیم، شعر را به سلاحی در برابر ستم تبدیل کردند.

«دباشی» در کتاب خود «ایران: ملتی گسسته» (۲۰۰۷) اشاره می‌کند که شعر در این دوره بازتابی از طغیان علیه وضع موجود بود و شاعران از نمادها و استعاره‌ها برای بیان مخالفت خود بدون مواجهه مستقیم با سرکوب استفاده می‌کردند. با این حال، این شعر ایمن نبود و بسیاری از شاعران به دلیل



اشعارشان تحت تعقیب و زندان قرار گرفتند. علاوه بر این، شعر در این دوره آرمان‌های انقلابی مردم ایران را بازتاب می‌داد و در تجمعات و اعتراضات سیاسی استفاده می‌شد، تا جایی که به بخشی جدایی‌ناپذیر از جنبش انقلابی تبدیل شد.

شعر قبل از انقلاب اسلامی تنها مسائل سیاسی را بازتاب نمی‌داد، بلکه تحولات فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران را نیز دربرمی‌گرفت. با گسترش آموزش و افزایش آگاهی فرهنگی، شاعران به مسائلی مانند حقوق زنان و عدالت اجتماعی پرداختند و شعر را به ابزاری برای آگاهی‌بخشی و ترغیب مردم به تغییر تبدیل کردند. «شریعتی» در کتاب خود «شعر و سیاست در ایران» (۱۹۸۵) اشاره می‌کند که شعر بازتابی از کشمکش بین ارزش‌های سنتی و مدرن بود و شاعران تلاش کردند در آثار خود اصالت و مدرنیته را با هم ترکیب کنند.

با این حال، این تحولات با چالش‌هایی مواجه بود و شاعران به دلیل سانسور و سرکوب دولتی با مشکلات زیادی در انتشار آثار خود روبه‌رو بودند. «میلانی» در کتاب خود «شاه» (۲۰۱۱) اشاره می‌کند که نظام پهلوی شعر را تهدیدی برای خود می‌دید و بنابراین سانسور بر آثار ادبی را تشدید کرد. بسیاری از شاعران که به مخالفت با نظام برخاستند، تحت تعقیب قرار گرفتند و شعر این دوره به نمادی از مقاومت و پایداری تبدیل شد.

شعر فارسی قبل از انقلاب اسلامی همچنین تنوع فرهنگی و زبانی ایران را بازتاب می‌داد. شاعران از گویش‌های محلی و سبک‌های عامیانه در اشعار خود استفاده می‌کردند تا ارتباط بهتری با مردم عادی برقرار کنند. با توجه به تنوع فرهنگی و زبانی ایران، شعر این تنوع را بیان می‌کرد و عناصری از فولکلور و فرهنگ عامه را در خود جای می‌داد. اما این تنوع همیشه مورد استقبال نظام حاکم نبود که در تلاش برای ترویج هویت فارسی یکپارچه بود. (sadeghian, 2011: p102-110) (milani, 2011: p115-120)

می‌توان گفت شعر فارسی قبل از انقلاب اسلامی بازتابی از تناقض‌ها و آرمان‌های جامعه ایرانی بود که در آن اصالت و مدرنیته، معنویت و سیاست در هم آمیخته بود. شعر همواره بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت ایرانی بوده و می‌توان آن را سندی تاریخی دانست که تحولات جامعه و آرزوهای آن برای آینده‌ای بهتر را ثبت کرده است. با این حال، انقلاب اسلامی نقطه عطف بزرگی در تاریخ شعر فارسی بود و تغییرات عمیقی در فرم و محتوای آن ایجاد کرد، موضوعی که در فصول بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

معناشناسی و حوزه‌های مرتبط با آن

محققان بر این باورند که تحقیق در زمینه معناشناسی زبانی، پیچیده‌ترین موضوعی است که تحقیقات زبانی، چه باستانی و چه مدرن، با آن مواجه هستند. این به دلیل دشواری درک دقیق معناشناسی و معانی گفتار است، هر چقدر هم که تلاش کنیم. همچنین ارائه توصیف دقیقی که با درجه بالایی از دقت علمی برای این معناشناسی‌ها مشخص شود، دشوار است. این چیزی است که زبان‌شناسی مدرن تا حد زیادی در سطوح آوایی، نحوی و ریخت‌شناسی گفتار در دستیابی به آن موفق بوده است، اما در معناشناسی به نتیجه مشابهی نرسیده است.

در نتیجه، نظریه‌های متعددی توسعه یافته‌اند که هدف آنها ایجاد مبانی برای تعیین معنای کلمات، جملات و متون است. با این حال، به گفته جان لیونز، هیچ یک از این نظریه‌ها نتوانسته‌اند یک نظریه جامع و کاربردی برای زبان‌های طبیعی ارائه دهند. با این حال، آنچه ارائه دادیم به این معنی نیست که تحقیقات در این زمینه متوقف شده است. در واقع، زبان‌شناسان از دوران باستان تلاش‌های خود را برای ارائه تقاسیری از معناشناسی زبانی با دیدگاه‌ها و نقاط شروع متنوع تشدید کرده‌اند.

آغاز واقعی معناشناسی مدرن به دست زبان‌شناس فرانسوی میشل برال بود که این کلمه را در مقاله خود در سال 1897 با عنوان «مقاله یا انشا در مورد معناشناسی» (Semantics) «به کار برد. محققان معتقدند که کلمه «Semantics» از کلمه یونانی «semion» یا «sema» به معنای «نشانه» گرفته شده است.



کتاب‌های زبان این اصطلاح را به انگلیسی ترجمه کرده و به طور گسترده مورد پذیرش و استفاده قرار داده‌اند (ر.ک. محمود، ۲۰۱۲: ص ۲).

"از سوی دیگر، معناشناسی ماهیت معنایی‌واژگان منفرد و معنای واژگان گردآمده در گروه‌ها و جملات را بررسی می‌کند". (سلمان، ۲۰۱۵: ص ۱۱۰). "این شاخه از دانش زبان‌شناسی نوین، در سال‌های اخیر توجه خاصی از سوی پژوهشگران به خود جلب کرده است". (الوائلی، ۲۰۱۵: ص ۵۰۶).

ابن فارس در مباحث ریشه‌شناسی خود، در خصوص واژگان مبتنی بر حروف دال و لام، دو اصل را مطرح می‌کند: نخست به معنای روشن ساختن و نمایاندن چیزی با علامت و اشاره، و دوم به معنای آشفتگی و اختلال در کار که به واسطه آن، راهنمایی و نشانه‌ای برای سامان دادن ارائه می‌شود. (ر.ک. عبد، ۲۰۲۳: ص ۱۳).

در نگاه اصولی زبان‌شناسان مسلمان، فهمیدن چیزی مستلزم فهمیدن چیز دیگری است. (ر.ک. الساعدی، ۲۰۱۸: ص ۱۱). به عبارتی دیگر، نخستین چیز دال است و دومین چیز مدلول (ر.ک. سعید، ۲۰۱۸: ص ۱۰۱). "دلالت یک فرایند بین رشته ای است. زبان‌شناسی، منطق، علم شناخت با مفهوم دلالت مواجه هستند". (صالح، ۲۰۱۹: ص ۳۷۲).

مقدمه نظری به مفهوم شعر اجتماعی

از طلوع شعر فارسی، این هنر تنها وسیله‌ای برای بیان زیبایی‌شناسی یا تغزل در طبیعت، زن و خود نبوده است، بلکه همچنین ظرفی ژرف برای حمل دغدغه‌های مردم و ابزاری برای انتقال واقعیت آن‌ها و شکل‌دادن به آگاهی جمعی‌شان بوده است. در این معنا، نمی‌توان شعر را از بافت اجتماعی‌اش جدا کرد، چرا که شاعر همواره آینه‌ی دوران خود بوده است؛ تپش‌های زندگی روزمره را درک کرده و آن را با زبانی نمادین و زنده بازآفرینی کرده است. (فرهادی، ۱۳۹۴: ص ۴۵-۵۰). در همین‌جا است که آنچه "شعر اجتماعی" نامیده می‌شود، پدیدار می‌گردد؛ شعری که بیشتر با واقعیت سر و کار دارد تا با تجرید، و بیشتر به مسائل جمعی می‌پردازد تا فردی.

شعر اجتماعی گونه‌ای از شعر است که به مسائل جامعه می‌پردازد، آرزوها و دردهای مردم را بیان می‌کند، در کنار فقرا و ستمدیدگان می‌ایستد، و نابرابری‌های موجود در ساختارهای قدرت و تبعیض طبقاتی را افشا می‌کند. در این بستر، شاعر تنها روایتگر خنثی و بی‌طرف نیست، بلکه شاهد و کنشگری فعال در عصر خویش است. ویژگی بارز شعر اجتماعی، پیوند عمیق آن با واقعیت است؛ بهره‌گیری از رویدادهای روزمره برای ساختن موضعی شاعرانه. همچنین زبان این نوع شعر به زبان خیابان نزدیک‌تر است، نمادهایی از زندگی روزمره را به کار می‌گیرد و صداها را به حاشیه‌رانده شده را در متن خویش جای می‌دهد. شعر اجتماعی اغلب لحن مبارزاتی به خود می‌گیرد و گاه به گفتمان سیاسی نزدیک می‌شود، اما هرگز وجه هنری و نمادین خود را از دست نمی‌دهد. (ر.ک. کاظمی، ۱۳۹۳، ص ۶۵-۷۵).

در ایران، شعر اجتماعی پدیده‌ای نوظهور در قرن بیستم نبوده، بلکه ریشه‌هایی عمیق در قرون میانه دارد. شاعرانی چون سعدی (۱۲۱۰-۱۲۹۱)، فردوسی (۹۴۰-۱۰۲۰) و نظامی (۱۱۴۱-۱۲۰۹) انتقادات خود از ساختارهای سیاسی یا اجتماعی زمانه را به صورت ضمنی در اشعارشان گنجانده‌اند. با این حال، چرخش اصلی به سمت شعر اجتماعی به شکل امروزی‌اش با آغاز دوران نوسازی و اصلاحات اجتماعی، به‌ویژه در اوایل قرن بیستم، هم‌زمان با رشد مطبوعات و شکل‌گیری جنبش‌های ملی‌گرا و افزایش آگاهی عمومی رخ داد. از این نقطه، شعر نقشی تازه به خود گرفت: ابزاری برای بیان جمعی، نه صرفاً فردی. (ر.ک. جعفری، ۱۳۹۵: ص ۱۱۰-۱۲۰).

در دوران مشروطه (۱۲۹۵-۱۲۹۱)، شعر به ابزاری مؤثر در دست روشنفکران بدل شد؛ روشنفکرانی که پرچمدار تغییر بودند. شاعرانی چون ملک‌الشعرا بهار (۱۸۸۶-۱۹۵۱)، میرزاده عشقی (۱۸۹۳-۱۹۲۴) و عارف قزوینی (۱۸۸۲-۱۹۳۴) تنها به توصیف واقعیت بسنده نکردند، بلکه خود وارد میدان سیاسی و اجتماعی شدند.



در این عصر، شاعر بیشتر به «مبارز» می ماند تا «هنرمند»، اما بدون چشمپوشی از بعد زیبایی شناسانه شعر. در بررسی شعر اجتماعی، نباید از نقشی که شعر در شکل دهی به آگاهی اجتماعی ایفا می کند غافل شد. شعر نه تنها بازتاب واقعیت است، بلکه در بازتولید آن نیز سهم دارد؛ مفاهیم را می سازد، ارزش ها را شکل می دهد و آگاهی را می پروراند. بنابراین، شعر اجتماعی دو وجه دارد: توصیف واقعیت و اتخاذ موضعی نسبت به آن. (ر.ک، موسوی، ۱۳۹۸: ص ۶۵-۷۵).

در جامعه ایران، شعر نقشی فراتر از متن بازی می کند؛ در دوره های سرکوب به ابزاری برای مقاومت، و در زمانه ی تحولات سیاسی به ابزاری برای ساخت هویت بدل می شود. به همین دلیل، شعر اجتماعی در ایران تنها با زیبایی زبانی اش سنجیده نمی شود، بلکه میزان تأثیر آن بر واقعیت پیرامونی، توان آن در طرح پرسش های بنیادین درباره ی قدرت، عدالت، آزادی و برابری نیز معیار ارزیابی آن است (ر.ک، کریمی، ۱۳۹۹: ص ۱۵-۲۵).

از آنجا که سانسور همواره حضوری پررنگ داشته است، شاعران اجتماعی به استفاده از نماد و استعاره روی آورده اند تا از ممنوعیت مستقیم بگریزند. بدین ترتیب، واژه ها معانی تازه ای یافته اند: «باغ» می تواند کنایه از وطن باشد، «پرنده» نماینده انسان آزاد، و «زندان» نماد واقعیت اجتماعی سرکوبگر. این گونه لایه های متعددی از معنا در متن شکل می گیرد که قرائت آن ها بسته به آگاهی خواننده و زمینه ی زمانی متفاوت خواهد بود. (ر.ک، رحیمی، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۵-۱۵۰).

برجسته ترین ویژگی های تصویر اجتماعی در شعر معاصر

شعر اجتماعی در ایران تنها یک گونه ی ادبی نیست، بلکه جنبشی فرهنگی پویا است که تصویر اجتماعی در شعر معاصر ایرانی تنها بازتاب سطحی واقعیت نیست، بلکه نتیجه ای است از تعامل پیچیده میان تجربه روزمره، آگاهی طبقاتی، و تعهد اخلاقی به جامعه (ر.ک، سعیدی، ۲۰۱۵: ص ۴۵-۴۷). شاعر معاصر تنها به توصیف دردها و آرزوهای جامعه نمی پردازد، بلکه این دیدگاه ها را با رویکرد زیبایی شناسانه ای بازسازی می کند که میان نماد و واقعیت، اشاره و تصریح، خشم و امید آمیخته است. به این ترتیب، تصویربرداری اجتماعی به ابزاری زیباشناختی و اعتراضی تبدیل می شود که از توصیف فراتر رفته و موضعی انتقادی نسبت به واقعیت موجود می سازد. (ر.ک، کریمی، ۲۰۱۷: ص ۷۰-۷۵).

اول: واقع گرایی نمادین به عنوان ابزاری برای تصویرسازی یکی از ویژگی های برجسته تصویربرداری اجتماعی در شعر معاصر ایرانی، اتکای آن به «واقع گرایی نمادین» است، به این معنی که واقعیت نه به طور مستقیم و دقیق، بلکه از طریق استعاره، نماد و اشاره تصویر می شود. این تکنیک به عنوان واکنشی به سانسور سیاسی و همچنین به عنوان گزینه ای هنری که شعر را عمیق تر و پایدارتر می کند، مطرح شده است. به عنوان مثال، وقتی شاعر از «کوچه های تاریک شهر» یا «زنی که ماه را در لباس خود می بافد» می نویسد، تنها یک محله فقیر یا زنی زحمتکش را توصیف نمی کند، بلکه به واقعیت اجتماعی خفه شده و طبقه فرودستی اشاره دارد که صدایی جز این شعر. این نماد نه تنها واقعیت را از دست نمی دهد، بلکه بعدی زیبایی شناسانه و دیدگاهی به آن می بخشد که افق تفسیر را باز کرده و تأثیر آن را دوچندان می کند.

دوم: صدای حاشیه نشینان و نمایندگی اقشار فرودست یکی از ویژگی های اساسی تصویربرداری اجتماعی معاصر، بالا بردن صدای حاشیه نشینان است، خواه این افراد فقیر، زنان، کارگران، روستائیان، مهاجران یا حتی زندانیان سیاسی باشند. کسانی که در سیاست، اقتصاد و رسانه ها حاشیه نشین هستند، در شعر فضایی برای بیان و حضور پیدا می کنند. شاعران جزئیات زندگی این حاشیه نشینان را با دقت و زبانی حسی توصیف می کنند: توصیف مزارعی که باران ها آنها را ترک کرده اند، کودکانی که در خیابان ها کار می کنند، زنانی که بی هیچ امیدی منتظرند، یا سالمندانی که بر پیاده روهای شهرها بدون هیچ کس ایستاده اند. در این نوع تصویرسازی، شاعر به دنبال ترحم نیست، بلکه به دنبال عدالت و بازتوزیع توجه فرهنگی است. (همان، ۷۸-۸۰).



سوم: مکان به عنوان حامل هویت اجتماعی مکان نقش بزرگی در تصویربرداری اجتماعی ایفا می‌کند، نه تنها به عنوان پس‌زمینه‌ای برای رویدادها، بلکه به عنوان موجودی اجتماعی که در آن طبقات اجتماعی، درگیری‌ها و تضادهای آن‌ها آشکار می‌شود. شهر، با ازدحام، فساد و تنهایی‌اش، اغلب به عنوان نمادی از تفکیک طبقاتی و غربت نمایش داده می‌شود، در مقابل روستا که گاهی نماد سادگی یا نوستالژی است، اما ممکن است به عنوان تصویری از فقر و حاشیه‌نشینی و فراموشی نیز ظاهر شود. این تصویربرداری مکانی در شعر بسیاری از معاصران که از «محله‌های فقیر» یا «کافه‌های خالی» یا «خانه‌های بی‌در» می‌نویسند، برای شکل دادن تصویری از جامعه‌ای فاقد تعادل و تقسیم‌شده به دایره‌های امتیاز و استبعاد، آشکار می‌شود (نجفی، ۲۰۱۸: ص ۹۷-۱۰۲).

چهارم: تنش میان فرد و جامعه در بسیاری از متون، نبرد میان فرد و جامعه به عنوان یکی از ویژگی‌های تصویربرداری اجتماعی به تصویر کشیده می‌شود. فرد، با اینکه در پی آزادی و تحقق خود است، خود را در معرض ارزش‌های سنتی یا سیاست‌های سرکوبگر یا قدرت‌های اجتماعی می‌بیند که مانع رشد او هستند. این نبرد تنش دراماتیکی را در متن به وجود می‌آورد و در قالب سؤالات باز یا ندادهای اعتراضی نمایان می‌شود. شاعر این تضاد درونی را از طریق تصاویری تکراری بازگو می‌کند: «چهره شکسته»، «صدای خفه»، «دیوارهایی که می‌شنوند اما سخن نمی‌گویند»، که همگی نمادهایی هستند که از دست دادن آزادی فردی در یک جامعه فشارنده را نشان می‌دهند. (ر.ک، سعیدی، ۲۰۱۵: ۵۵).

نمونه‌هایی از تحلیل معناشناختی واژه‌های اجتماعی در شعر

خُهر

"آفاق خُهر را لب خورشید بوسه داد" (رفعت، ۱۲۹۷:).
خُهر [خُ]: اسم: وطن، زمین اصلی، خانه و مسکن. این کلمه به تعلق جغرافیایی و عاطفی انسان اشاره دارد. در لغت‌نامه‌های معتبر نیز آمده است که: (لغت‌نامه دهخدا، ج ۴، ص ۵۵۱۸) و همچنین در "برهان قاطع" و "آندراج":

"چون بره باشم باشم بغم خانه و خُهر / چون بشهر آیم باشم به بسیجیدن راه" فرخی
در این بیت، شاعر از تصویری از وطن سخن می‌گوید که هم مورد علاقه و هم مقدس است و زندگی را با گرما و محبت خود می‌بخشد. کلمه "خُهر" به عنوان نمادی از هویت عاطفی و تعلق به مکان ظاهر می‌شود، که فراتر از یک موقعیت جغرافیایی است. خورشید، نماد زندگی و نور، لب‌های این وطن را می‌بوسد، انگار شاعر می‌خواهد بگوید که حتی طبیعت هم به این وطن احترام می‌گذارد. این کلمه به‌طور دلالتی به ارتباط عاطفی عمیق انسان با مکان تعلقش اشاره دارد، ارتباطی که هویت جمعی می‌سازد و در برابر تبعید و بیگانگی مقاومت می‌کند. این تصویر، دلالت بر عمق احساسات اجتماعی و تعلق دارد، و به‌طور خاص در شعر اجتماعی معاصر جایگاه ویژه‌ای دارد.

نان

"نان را از دهان کودک ربودند" (صادق راهی، ۱۳۷۵:).
نان [ن]: اسم: نان، قوت روزانه، نماد زندگی شرافتمندانه و معیشت اساسی. (فرهنگ معین، ج ۲: ص ۲۴۳) و (لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۳: ص ۱۳۷۹۲).
نان: غذایی که از آرد و آب و مایه تهیه شود و در تنور پخته شود. نماد معیشت و روزی. در این بیت، نان تنها به عنوان یک ماده غذایی فیزیکی نیست، بلکه یک نماد اجتماعی است. وقتی از کودک نان گرفته می‌شود، این دلالت بر نقض عدالت اجتماعی دارد. این بیت به‌طور ضمنی نشان می‌دهد که حقوق ضعفا در جامعه نادیده گرفته می‌شود و امتیازات به دست قدرتمندان می‌افتد. کلمه "نان" تبدیل به نمادی اجتماعی می‌شود که ساختار ناعادلانه‌ای را نمایان می‌کند که حتی ابتدایی‌ترین حقوق انسان‌ها را نیز از آن‌ها می‌گیرد. این تصویر با مضامین اجتماعی و شعرهایی که در پی عدالت و همبستگی اجتماعی هستند، هم‌راستا می‌باشد.



زن

"زن را به حیاط پنهان خانه تبعید کردند، تا صدا نشود". (شفیقه میرزاد، 1380:). زن [زَن] اسم: زن، انسان مؤنث. در فرهنگ فارسی، این کلمه نه تنها به جنسیت اشاره دارد، بلکه به نقش اجتماعی مرکزی زن در ساختار خانواده و جامعه اشاره دارد. (لغتنامه دهخدا، ج16: ص16442). زن: موجود مؤنث انسانی، همسر، مادر، نماد زندگی یا گاهی مظلومیت. این تصویر شاعری، زن را به عنوان موجودی تحت فشار و محروم از صدا و حضور عمومی نشان می‌دهد. "تبعید" زن به حیاط خانه بازتاب‌دهنده نگرش اجتماعی است که زن را از فضای عمومی دور کرده و مشارکت اجتماعی او را محدود می‌کند. دلالت این تصویر فقط به نبود زن در صحنه نیست، بلکه به محدود کردن صدای او اشاره دارد، که در ادبیات فارسی معمولاً نماد آزادی و بیان است. بنابراین، ناپدید شدن صدای زن، ناپدید شدن دیدگاه جایگزین و مقاومت نرم است. این کلمه به نوعی انتقاد اجتماعی از ساختار پدرسالارانه است و به طور ضمنی خواستار بازسازی تعادل اجتماعی میان جنس‌ها می‌باشد.

کوچه

"کوچه‌ها لبریز از خستگی مردم است". (فروغ فرخزاد، 1342:). کوچه [کوچه] اسم: راه باریک میان خانه‌ها، زقاق، خیابان کوچک. (فرهنگ عمید، ج1: ص114) و (لغتنامه دهخدا، ج9: ص9283). کوچه: راه باریک میان دو خانه یا دو دیوار که برای عبور مردم ساخته شده باشد. نماد زندگی روزمره و جنب و جوش اجتماعی.

در این بیت، "کوچه" به عنوان مکانی عادی به تصویر کشیده نمی‌شود، بلکه به نماد واقعی جامعه‌ای تبدیل می‌شود که تحت فشار و خستگی است. این زقاق‌ها، که مسیرهای روزانه‌ای برای عبور مردم هستند، اکنون به نماد تلاش جمعی و خستگی عمومی تبدیل می‌شوند. "کوچه" در این شعر تنها یک مکان جغرافیایی نیست، بلکه فضایی است که در آن رنج‌های روزمره طبقه عمومی به وضوح آشکار می‌شود. این تصویر از مکان، برای بیان احساسات انسانی و عواطف اجتماعی که در روزمرگی و مبارزات طبقات پایین جامعه جاری است، عمق خاصی پیدا می‌کند.

کارگر

"کارگر، چکشی در دست و خونی بر دل دارد". (احمد شاملو، 1350:). کارگر [کارگر] اسم: فردی که با دست خود کار می‌کند، به ویژه در حرفه‌های دستی و صنعتی. (فرهنگ بزرگ سخن، ج4: ص4192) و (لغتنامه دهخدا، ج12: ص12487).

کارگر: کسی که با نیروی بدنی کار می‌کند، در کارخانه یا میدان کار. نماد طبقه زحمتکش جامعه. کلمه "کارگر" در این شعر علاوه بر این که به فردی اشاره دارد که در حال انجام کار جسمانی است، در عین حال به معنای نماد طبقه‌ای است که درگیر رنج و درد است. در این بیت، "خونی بر دل دارد" نه تنها به معنای کار سخت و دشوار است، بلکه به معنای رنج اجتماعی و اقتصادی این طبقه است. تصویر کارگر در اینجا به عنوان فردی که تحت فشارهای زندگی است و در عین حال هیچ پاداشی برای زحمات‌های خود دریافت نمی‌کند، گویای نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی است. کلمه "کارگر" در شعر اجتماعی معاصر نقش مهمی ایفا می‌کند و به عنوان نمادی از مقاومت و آگاهی اجتماعی در برابر ظلم و تبعیض به کار می‌رود.

منابع و مأخذ

- الساعدي، عبدالحسين موسى، (2018) الدلالة المجازية في الفهم الأصولي اللغوي، مجلة كلية العلوم الإسلامية- جامعة بغداد، العدد 55.
- الوائلي، أنور عباس، (2015) مفهوم زمان ومعنای واژه‌های آن در زبان فارسی، جامعة بغداد- كلية اللغات.



- توفيق، رفل موفق، (2011) طنز در ادبیات دوره مشروطه، جامعة بغداد- كلية اللغات.
- رحيمي، ح. (١٣٩٧). نماد و استعاره در شعر اجتماعی. تهران: نشر ني.
- سعيد، هيوأ كريم، (2018) دلالة الإشارة في القرآن الكريم، مجلة كلية العلوم الإسلامية- جامعة بغداد، العدد 56.
- سلمان، نهله داود، (2015) ساخت واژه در زبان فارسی، جامعة بغداد- كلية اللغات.
- شریعتی، ع. (١٩٨٥). شعر و سیاست در ایران. انتشارات قلم.
- صالح، رنا علي مجيد، (2019) موضوع وساختار و دلالت جمله و متن در زبان شناسی، مجلة لارک للفلسفة واللسانیات والعلوم الاجتماعية، العدد 35.
- عبد، حسن ابراهيم، (2023) الدلالة الوضعية و مصاديقها في العقيدة الاسلامية، مجلة كلية العلوم الاسلامية- جامعة بغداد، العدد 75.
- محمود، عماد محمد، (2012) الدلالة الاسلوبية، مجلة الآداب- جامعة بغداد، العدد 100.